

قانون موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری مردمی بنگلادش به منظور حذف مالیات مضاعف در مورد مالیات های بر درآمد و جلوگیری از فرار و اجتناب مالیاتی

1404/2/28

شماره 15704/197

جناب آقای دکتر مسعود پزشکیان

رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره 21760/61174 مورخ 1402/2/13 مطابق اصل یکصد و بیست و سوم (123) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «قانون موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری مردمی بنگلادش به منظور حذف مالیات مضاعف در مورد مالیات های بر درآمد و جلوگیری از فرار و اجتناب مالیاتی» مصوب 1404/1/20 مجلس شورای اسلامی به شرح پیوست ابلاغ می شود.

رئیس مجلس شورای اسلامی - محمدباقر قالیباف

1404/3/3

شماره 36803

وزارت امور اقتصادی و دارایی

در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست «قانون موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری مردمی بنگلادش به منظور حذف مالیات مضاعف در مورد مالیات های بر درآمد و جلوگیری از فرار و اجتناب مالیاتی» که در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ بیستم فروردین ماه یکهزار و چهارصد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ 1404/2/10 به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره 15704/197 مورخ 1404/2/28 مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، جهت اجراء ابلاغ می گردد.

با توجه به اصل یکصد و بیست و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اجرای مفاد موافقتنامه منوط به انجام تشریفات مندرج در ماده (30) موافقتنامه یادشده می باشد.

رئیس جمهور - مسعود پزشکیان

قانون موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری مردمی بنگلادش به منظور حذف مالیات مضاعف در مورد مالیات های بر درآمد

و جلوگیری از فرار و اجتناب مالیاتی

ماده واحده - موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری مردمی بنگلادش به منظور حذف مالیات مضاعف در مورد مالیات های بر درآمد و جلوگیری از فرار و اجتناب مالیاتی مشتمل بر یک مقدمه و سی و یک ماده به شرح پیوست، تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می شود.

تبصره 1- سود و کارمزد موضوع ماده (11) موافقتنامه، مجوز دریافت یا پرداخت غیر قانونی از جمله ربا محسوب نمی شود.

تبصره 2- در اجرای این قانون و اصلاحات بعدی آن، رعایت اصول هفتاد و هفتم (77)، یکصد و بیست و پنجم (125) و یکصد و سی و نهم (139) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران الزامی است.

بسم الله الرحمن الرحيم

موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری مردمی بنگلادش به منظور حذف مالیات مضاعف در مورد مالیات های بر درآمد

و جلوگیری از فرار و اجتناب مالیاتی

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری مردمی بنگلادش، که از این پس «دولت های متعاقد» نامیده می شوند؛

با تمایل به توسعه بیشتر روابط اقتصادی و ارتقای همکاری خود در مورد موضوعات مالیاتی؛

با هدف انعقاد موافقتنامه ای برای حذف مالیات مضاعف در مورد مالیات های بر درآمد بدون ایجاد فرصت هایی برای عدم پرداخت مالیات یا پرداخت مالیات کمتر از طریق اجتناب یا فرار مالیاتی (ازجمله ازطریق ترتیبات قراردادی با هدف برخورداری از ارفاق های پیش بینی شده در این موافقتنامه برای بهره مندی غیرمستقیم مقیمان دولت های ثالث)،

به شرح زیر توافق نمودند:

ماده 1- اشخاص مشمول موافقتنامه

این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی خواهد بود که مقیم یکی از دولت های متعاقد یا هر دوی آنها باشند.

ماده 2- مالیات های مشمول موافقتنامه

1- این موافقتنامه در مورد مالیات های بر درآمدی اعمال می شود که صرف نظر از نحوه مطالبه آنها، از سوی یک دولت متعاقد یا مراجع محلی آن وضع می گردد.

2- مالیات های بر درآمد عبارت است از کلیه مالیات های وضع شده بر کل درآمد یا اجزای درآمد، ازجمله مالیات بر عواید حاصل از نقل و انتقال اموال منقول یا غیرمنقول، مالیات بر کل مبالغ دستمزد یا حقوق پرداختی توسط مؤسسات.

3- مالیات های موجود مشمول این موافقتنامه به ویژه عبارتند از:

(الف) در مورد جمهوری اسلامی ایران:

مالیات بر درآمد به موجب مفاد قوانین داخلی آن.

(ب) در مورد جمهوری مردمی بنگلادش:

مالیات بر درآمد به موجب مفاد قوانین داخلی آن.

4- این موافقتنامه شامل مالیات هایی که نظیر یا در اساس مشابه مالیات های بر درآمد موجود بوده و به موجب قوانین یک دولت متعاقد پس از تاریخ امضای این موافقتنامه به آنها اضافه یا به جای آنها وضع شوند، نیز خواهد بود. مقام های صلاحیت دار دولت های متعاقد یکدیگر را، تا حدودی که برای اجرای این

موافقتنامه ضروری است، از هر تغییر مهمی که در قوانین مالیاتی مربوط خود حاصل شود، مطلع خواهند نمود.

ماده 3- تعاریف کلی

1- از لحاظ این موافقتنامه، جز در مواردی که سیاق عبارت مفهوم دیگری را اقتضا نماید:

(الف) اصطلاح «جمهوری اسلامی ایران» به قلمروی تحت حاکمیت و یا صلاحیت جمهوری اسلامی ایران از جمله مناطق خشکی و دریای سرزمینی آن، منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره و فضای فوقانی آن اطلاق می شود؛

(ب) اصطلاح «جمهوری مردمی بنگلادش» به کل قلمروی جمهوری مردمی بنگلادش اطلاق می شود و شامل دریای سرزمینی و فضای فوقانی آن، همچنین سایر مناطق دریایی است که در آن جمهوری مردمی بنگلادش حقوق حاکمیتی، سایر حقوق و صلاحیت خود را به موجب قوانین بنگلادش و مطابق با حقوق بین الملل، از جمله معاهده (کنوانسیون) سازمان ملل متحد در مورد حقوق دریاها مورخ 1361 (1982)، اعمال می نماید؛

(پ) اصطلاح «شخص» شامل شخص حقیقی، شرکت و هر مجموعه دیگری از اشخاص می شود؛

(ت) اصطلاح «شرکت» به هر شخص حقوقی یا هر نهادی اطلاق می شود که از لحاظ مالیاتی، شخص حقوقی محسوب گردد؛

(ث) اصطلاحات «دولت متعاقد» و «دولت متعاقد دیگر»، بنا به اقتضای متن به جمهوری اسلامی ایران یا جمهوری مردمی بنگلادش اطلاق می شود؛

(ج) اصطلاحات «مؤسسه یک دولت متعاقد» و «مؤسسه دولت متعاقد دیگر» به ترتیب به مؤسسه ای که به وسیله مقیم یک دولت متعاقد و مؤسسه ای که به وسیله مقیم دولت متعاقد دیگر اداره می گردد، اطلاق می شود؛

(چ) اصطلاح «حمل و نقل بین المللی» به هرگونه حمل و نقل توسط کشتی یا وسیله نقلیه هوایی اطلاق می گردد که توسط مؤسسه یک دولت متعاقد انجام می شود، به استثنای مواردی که کشتی یا وسیله نقلیه هوایی صرفاً بین نقاط واقع در دولت متعاقد دیگر فعال باشد؛

(ح) اصطلاح «مقام صلاحیت دار»:

(1) در مورد جمهوری اسلامی ایران، به وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده مجاز وی اطلاق می شود؛ و

(2) در مورد جمهوری مردمی بنگلادش، به هیأت ملی درآمدهای مالیاتی یا نماینده مجاز آن اطلاق می شود.

(خ) اصطلاح «تبعه» در ارتباط با یک دولت متعاقد اطلاق می شود به:

(1) هر شخص حقیقی که دارای تابعیت آن دولت متعاقد باشد؛ و

(2) هر شخص حقوقی، مشارکت، انجمن یا سایر نهادهایی که وضعیت خود را از قوانین جاری در آن دولت متعاقد کسب نماید.

2- در خصوص اعمال این موافقتنامه در هر زمانی توسط یک دولت متعاقد، هر اصطلاحی که تعریف نشده باشد، دارای معنای به کار رفته در قوانین آن دولت راجع به مالیات های مشمول این موافقتنامه در آن زمان است، به جز مواردی که اقتضای سیاق عبارت به گونه ای دیگر باشد. معانی به کار رفته در قوانین مالیاتی قابل اعمال آن دولت بر معانی همان اصطلاح در سایر قوانین آن دولت ارجحیت خواهد داشت.

ماده 4- مقیم

1- از لحاظ این موافقتنامه، اصطلاح «مقیم یک دولت متعاقد» به هر شخصی اطلاق می شود که به موجب قوانین آن دولت، از حیث محل سکونت، اقامتگاه، محل تشکیل یا ثبت، محل مدیریت یا هرگونه معیار دیگری با ماهیت مشابه، مشمول مالیات آن دولت باشد؛ این اصطلاح همچنین آن دولت یا هر مرجع محلی آن را شامل می شود. با وجود این، اصطلاح مزبور شامل شخصی نخواهد بود که صرفاً به لحاظ کسب درآمد از منابع واقع در آن دولت، مشمول مالیات آن دولت می شود.

2- چنانچه حسب مقررات بند (1)، شخصی حقیقی مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، وضعیت او به شرح زیر تعیین خواهد شد:

(الف) وی صرفاً مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن، محل سکونت دائمی در اختیار دارد؛ اگر او در هر دو دولت محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد، صرفاً مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن روابط شخصی و اقتصادی بیشتری دارد (مرکز منافع حیاتی)؛

(ب) چنانچه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد، یا چنانچه او در هیچ یک از دو دولت، محل سکونت دائمی در اختیار نداشته باشد، صرفاً مقیم دولتی تلقی خواهد شد که معمولاً در آنجا به سر می برد؛

(پ) چنانچه وی معمولاً در هر دو دولت به سر برد یا در هیچ یک به سر نبرد، فقط مقیم دولتی تلقی می شود که تابعیت آن را دارد؛

(ت) چنانچه مطابق قوانین داخلی، وی تابعیت هر دو دولت را داشته یا تابعیت هیچ یک از آنها را نداشته باشد یا در صورتی که نتوان، بر اساس بندهای فوق، او را مقیم یکی از دولت های متعاقد تلقی کرد، در آن صورت موضوع با توافق متقابل مقام های صلاحیت دار دولت های متعاقد حل و فصل خواهد شد.

3- چنانچه به موجب مفاد بند (1)، شخصی غیر از شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، مقام های صلاحیت دار دولت های متعاقد تلاش خواهند نمود تا از طریق توافق متقابل، با توجه به محل مدیریت مؤثر آن شخص، محلی که در آن تشکیل یا به گونه دیگری تأسیس شده و هرگونه عوامل مرتبط دیگر، دولت متعهدی را که شخص مذکور به لحاظ این موافقتنامه مقیم آن تلقی می شود، تعیین نمایند. در نبود چنین توافقی، شخص مزبور از هیچ یک از ارفاق ها یا معافیت های مالیاتی مقرر در این موافقتنامه بهره مند نخواهد شد مگر به میزان و به گونه ای که مقام های صلاحیت دار دولت های متعاقد بر آن توافق کنند.

ماده 5 - مقر دائم

1- از لحاظ این موافقتنامه، اصطلاح «مقر دائم» به محل ثابت کسب و کاری اطلاق می شود که از طریق آن، کسب و کار یک مؤسسه کلاً یا جزئاً انجام می شود.

2- اصطلاح «مقر دائم» به ویژه شامل موارد زیر است:

(الف) محل مدیریت؛

(ب) شعبه؛

(پ) دفتر؛

(ت) کارخانه؛

(ث) کارگاه؛

(ج) معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر اکتشاف، استخراج و یا بهره برداری از منابع طبیعی؛

(ح) محل خرده فروشی و

(خ) مزرعه، کشتزار یا محل دیگری که کشاورزی، جنگل داری، کاشت یا فعالیت های مرتبط در آن انجام می گیرد.

3- اصطلاح «مقر دائم» همچنین شامل موارد زیر می گردد:

(الف) کارگاه ساختمانی، طرح (پروژه) ساخت، سوار کردن یا نصب یا فعالیت های سرپرستی و نظارت مرتبط با آن، ولی فقط چنانچه این کارگاه، طرح (پروژه) آن یا فعالیت ها بیش از 270 (دویست و هفتاد) روز به طول انجامد یا ادامه داشته باشد؛

(ب) ارائه خدمات، از جمله خدمات مشاوره ای توسط مؤسسه از طریق کارمندان یا سایر کارکنانی که مؤسسه برای چنین منظوری به کار گرفته است، اما فقط چنانچه فعالیت های دارای این ماهیت (برای

همان طرح (پروژه) یا طرح های (پروژه های) مرتبط) در یک دولت متعاقد برای یک دوره یا دوره هایی ادامه یابد که مجموع آنها بیش از 183 (یکصد و هشتاد و سه) روز در هر دوره 12 (دوازده) ماهه باشد.

4- سازه یا دکل حفاری یا کشتی مورد استفاده برای اکتشاف منابع طبیعی به منزله ایجاد مقر دائم تلقی خواهد شد، اما صرفاً در صورتی که این فعالیت ها بیش از 6 (شش) ماه ادامه یابد. فعالیت های انجام شده توسط مؤسسه دارای ارتباط نزدیک با مؤسسه دیگر، فعالیت های انجام شده توسط مؤسسه دارای ارتباط نزدیک با آن تلقی خواهد شد، مشروط بر این که فعالیت های مورد بحث:

(الف) اساساً نظیر فعالیت هایی باشد که توسط مؤسسه اخیر الذکر انجام شده است، و

(ب) با همان طرح (پروژه) یا عملیات مرتبط باشد،

مگر تا حدودی که فعالیت های مذکور به صورت همزمان انجام شده باشد.

5 - علی رغم مقررات قبلی این ماده، اصطلاح «مقر دائم» به موارد زیر اطلاق نخواهد شد:

(الف) استفاده از تسهیلات صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش اجناس یا کالاهای متعلق به مؤسسه؛

(ب) نگهداری موجودی کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش؛

(پ) نگهداری موجودی کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه صرفاً به منظور فرآوری آنها توسط مؤسسه دیگر؛

(ت) نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور خرید کالاها یا اجناس یا گردآوری اطلاعات برای آن مؤسسه؛

(ث) نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور انجام سایر فعالیت هایی که برای آن مؤسسه دارای جنبه آماده سازی یا کمکی باشد؛

(ج) نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور ترکیبی از فعالیت های مذکور در جزءهای (الف) تا (ث)، به شرط آنکه چنین فعالیتی یا، در مورد جزء (ج)، کل فعالیت محل ثابت کسب و کار دارای جنبه آماده سازی یا کمکی باشد.

6 - مقررات بند (5) در مورد محل ثابت کسب و کار مورد استفاده یا نگهداری شده توسط یک مؤسسه اعمال نخواهد شد، مشروط به اینکه همان مؤسسه یا مؤسسه ای دارای ارتباط نزدیک با آن فعالیت های کسب و کار را در همان محل یا محلی دیگر در همان دولت متعاقد انجام دهد و

(الف) آن محل یا محل دیگر برای آن مؤسسه یا مؤسسه دارای ارتباط نزدیک با آن، به موجب مقررات این ماده، تشکیل مقر دائم دهد، یا

(ب) کل فعالیت حاصل از ترکیب فعالیت های انجام شده توسط دو مؤسسه در همان محل یا توسط همان مؤسسه یا مؤسسات دارای ارتباط نزدیک با آن در دو محل جنبه آماده سازی یا کمکی نداشته باشد،

مشروط بر آنکه فعالیت های کسب و کار انجام شده توسط دو مؤسسه در همان محل یا توسط همان مؤسسه یا مؤسسات دارای ارتباط نزدیک با آن در دو محل نقش تکمیلی داشته و بخشی از عملیات یکپارچه کسب و کار باشند.

7- صرف نظر از مفاد بندهای (1) و (2) اما با رعایت مفاد بند (8)، چنانچه شخصی در یک دولت متعاقد از طرف مؤسسه ای فعالیت نماید و در انجام آن فعالیت، به طور معمول قراردادهایی منعقد نماید یا به طور معمول نقش اصلی پیشبرد انعقاد قراردادهایی را ایفا نماید که معمولاً بدون جرح و تعدیل اساسی از سوی مؤسسه منعقد می شوند، و قراردادهای مذکور به شرح زیر باشد:

(الف) به نام مؤسسه؛ یا

(ب) به منظور انتقال مالکیت یا برای اعطای حق استفاده از دارایی تحت تملک آن مؤسسه یا دارایی ای که مؤسسه حق استفاده از آن را دارد؛ یا

(پ) به منظور ارائه خدمات توسط آن مؤسسه،

آن مؤسسه در مورد هرگونه فعالیت هایی که شخص مزبور برای مؤسسه انجام می دهد، در آن دولت متعاهد دارای مقر دائم تلقی خواهد شد، مگر آنکه فعالیت های شخص مزبور محدود به موارد مذکور در بند (5) باشد که در این صورت، چنانچه آن فعالیت ها از طریق محل ثابت کسب و کار انجام شوند، به موجب مقررات بند مذکور، محل ثابت کسب و کار یادشده را به مقر دائم تبدیل نخواهد کرد.

با این وجود، چنانچه شخصی در یک دولت متعاهد از طرف مؤسسه ای قراردادی منعقد ننماید بلکه به طور معمول در دولت نخست کالا یا اجناسی نگهداری نماید که از آن محل به طور منظم، موجودی کالا یا اجناس را از طرف آن مؤسسه تحویل دهد، آن مؤسسه دارای مقر دائم در آن دولت تلقی خواهد شد.

8 - هرگاه شخصی در یک دولت متعاهد از طرف مؤسسه دولت متعاهد دیگر به عنوان عامل مستقل کسب و کاری را در دولت نخست انجام دهد و در جریان عادی کسب و کار مؤسسه برای آن مؤسسه فعالیت نماید، مقررات بند (7) اعمال نخواهد شد. با این وجود، چنانچه شخصی به طور انحصاری یا تقریباً انحصاری از طرف یک یا چند مؤسسه که با آنها دارای ارتباط نزدیک می باشند فعالیت نماید، به موجب مفاد این بند، آن شخص درخصوص چنین مؤسسه ای، عامل مستقل قلمداد نخواهد شد.

9- صرف نظر از مقررات قبلی این ماده، چنانچه مؤسسه بیمه یک دولت متعاهد، از طریق شخصی غیر از عامل دارای وضعیت مستقل که مشمول بند (8) است، در قلمرو دولت دیگر حق بیمه وصول کند یا خطرهای (ریسک های) واقع در آن دولت دیگر را بیمه کند، آن مؤسسه در آن دولت متعاهد دیگر دارای مقر دائم تلقی خواهد شد.

10- صرف اینکه شرکت مقیم یک دولت متعاهد، شرکت مقیم دولت متعاهد دیگر را واپایش (کنترل) می کند یا تحت واپایش (کنترل) آن قرار دارد یا در آن دولت دیگر (خواه از طریق مقر دائم و خواه به گونه دیگر) کسب و کاری انجام می دهد به خودی خود برای اینکه یکی از آنها مقر دائم دیگری محسوب شود، کافی نخواهد بود.

11- از لحاظ این ماده، شخص یا مؤسسه در صورتی دارای ارتباط نزدیک با مؤسسه دیگر می باشد که بر اساس تمامی حقایق و شرایط مرتبط، یکی از آنها دیگری را واپایش (کنترل) نماید یا هر دو تحت واپایش (کنترل) اشخاص یا مؤسسات واحد باشند. به هر حال، در صورتی شخص یا مؤسسه دارای ارتباط نزدیک با مؤسسه دیگر محسوب می شود که یکی از آنها به طور مستقیم یا غیرمستقیم بیش از 50% (پنجاه درصد) سود منافع را در دیگری [یا، در مورد شرکت، بیش از 50% (پنجاه درصد) از کل آراء یا ارزش سهام شرکت یا ارزش سود منافع سهام را در آن شرکت] در مالکیت خود داشته باشد یا چنانچه شخص یا مؤسسه دیگری به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بیش از 50% (پنجاه درصد) از سود منافع [یا، در مورد شرکت، بیش از 50% (پنجاه درصد) کل آراء و ارزش سهام شرکت یا ارزش سود منافع سهام در شرکت] را در آن شخص و آن مؤسسه یا در آن دو مؤسسه در مالکیت خود داشته باشد.

ماده 6 - درآمد حاصل از اموال غیرمنقول

1- درآمد حاصل مقیم یک دولت متعاهد از اموال غیرمنقول (ازجمله درآمد حاصل از کشاورزی یا جنگل داری) واقع در دولت متعاهد دیگر می تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

2- اصطلاح «اموال غیرمنقول» دارای همان تعریفی است که در قوانین دولت متعاهد محل وقوع اموال مزبور آمده است. این اصطلاح در هر صورت شامل ملحقات مربوط به اموال غیرمنقول، احشام و اسباب و ادوات مورد استفاده در کشاورزی یا جنگل داری، حقوقی که مفاد قوانین عام راجع به مالکیت اراضی در مورد آنها اعمال می گردد، حق انتفاع از اموال غیرمنقول و حقوق مربوط به اکتشاف یا بهره برداری از منابع طبیعی یا درختان الواری و حقوق مربوط به پرداخت های ثابت یا متغیر در عوض کار یا حق انجام کار، ذخایر معدنی، معادن سنگ، سرچشمه ها و سایر منابع طبیعی ازجمله نفت و گاز خواهد بود؛ کشتی ها، قایق ها و وسایل نقلیه هوایی اموال غیر منقول محسوب نخواهند شد.

3- مقررات بند (1) نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، اجاره یا هر شکل دیگر استفاده از اموال غیرمنقول جاری خواهد بود.

4- مقررات بندهای (1) و (3) در مورد درآمد حاصل از اموال غیرمنقول مؤسسه و درآمد حاصل از اموال غیرمنقول مورد استفاده برای انجام خدمات شخصی مستقل نیز جاری خواهد بود.

ماده 7- درآمدهای کسب و کار

1- درآمد مؤسسه یک دولت متعاقد صرفاً در همان دولت مشمول مالیات خواهد بود مگر اینکه آن مؤسسه از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاقد دیگر امور کسب و کار خود را انجام دهد. چنانچه مؤسسه از طریق مزبور به کسب و کار بپردازد، طبق مقررات بند (2)، درآمدهای آن مؤسسه که قابل انتساب به مقر دائم باشد می تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

2- از لحاظ این ماده و ماده (23)، درآمدهای قابل انتساب در هر دولت متعاقد به مقر دائم مذکور در بند (1)، به ویژه در معاملات خود با سایر بخش های مؤسسه، درآمدهایی است که چنانچه مقر دائم مؤسسه ای مجزا و مستقل می بود و به همان فعالیت ها یا مشابه آنها اشتغال می داشت، در همان شرایط یا شرایط مشابه، با احتساب فعالیت های صورت گرفته، دارایی های مورد استفاده و خطرهای (ریسک های) پذیرفته شده توسط مؤسسه از طریق مقر دائم و از طریق سایر بخش های مؤسسه می توانست تحصیل کند.

3- برای تعیین درآمد مقر دائم، هزینه های قابل قبول به موجب مفاد قانون داخلی که برای کسب و کار آن مقر دائم ایجاد شده باشند، از جمله هزینه های اجرائی و هزینه های اداری عمومی، قابل کسر خواهد بود، اعم از آنکه در دولت محل وقوع مقر دائم یا در جای دیگر انجام پذیرد. مع ذلک، چنانچه میالغی (به غیر از بازپرداخت هزینه های واقعی) توسط مقر دائم به دفتر مرکزی مؤسسه یا سایر دفاتر آن در قالب حق الامتیاز، حق الزحمه یا سایر پرداخت های مشابه در ازای استفاده از حق اختراع، دانش فنی، یا سایر حقوق، یا به عنوان حق العمل یا سایر هزینه ها در ازای خدمات خاص ارائه شده یا در ازای مدیریت، یا به استثنای موارد مربوط به مؤسسات بانکی، به عنوان سود و کارمزد وام اعطاشده به مقر دائم پرداخت شده باشد هزینه قابل قبول محسوب نخواهد شد. همچنین، در تعیین درآمدهای مقر دائم، مبالغ منظور شده (غیر از بازپرداخت هزینه های واقعی) توسط مقر دائم به حساب دفتر مرکزی مؤسسه یا سایر دفاتر آن، در قالب حق الامتیاز، حق الزحمه یا سایر پرداخت های مشابه در ازای استفاده از حق اختراع یا سایر حقوق یا در قالب حق العمل در ازای خدمات خاص ارائه شده یا در ازای مدیریت، یا به استثنای مؤسسات بانکی در قالب سود و کارمزد وام اعطا شده به دفتر مرکزی مؤسسه یا سایر دفاتر آن محاسبه نخواهد شد.

4- صرف آن که مقر دائم برای مؤسسه جنس یا کالا خریداری می کند، موجب انتساب درآمد به آن مقر دائم نخواهد شد.

5 - از لحاظ بندهای قبلی، درآمد منظور شده برای مقر دائم سال به سال به روش یکسانی تعیین خواهد شد، مگر آنکه دلیل مناسب و کافی برای اعمال روش دیگر وجود داشته باشد.

6 - یک دولت متعاقد، پس از 6 (شش) سال از پایان سال مالیاتی که در آن، درآمد به مقر دائم قابل انتساب باشد، تعدیلی در درآمدهای قابل انتساب به مقر دائم مؤسسه یکی از دولت های متعاقد به عمل نخواهد آورد. مفاد این بند در مورد تقلب، تقصیر سنگین یا قصور عمدی در تکالیف تمکین مالیاتی مجری نخواهد بود.

7- در صورتی که درآمدها شامل اقلامی از درآمد باشند که طبق سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه ای دارد، در این صورت مفاد این ماده خدشه ای به مفاد آن مواد وارد نخواهد آورد.

ماده 8 - حمل و نقل دریایی و هوایی بین المللی

1- درآمد مؤسسه یک دولت متعاقد بابت استفاده از وسایل نقلیه هوایی یا کشتی ها در حمل و نقل بین المللی مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

2- درآمدهای مؤسسه یک دولت متعاقد حاصل در دولت متعاقد دیگر بابت استفاده از کشتی ها در حمل و نقل بین المللی می تواند در دولت متعاقد دیگر نیز مشمول مالیات شود. با این حال، مالیات متعلقه در آن دولت متعاقد دیگر بر درآمد مزبور به نرخ ثابت 4% (چهار درصد) خواهد بود، مشروط بر اینکه در صورت هرگونه تغییر در قانون مالیاتی داخلی آن دولت که منتج به نرخ مالیاتی پایین تری بر فعالیت حمل و نقل دریایی شود یا چنانچه نرخ پایین تری در این حوزه با هر دولت دیگری توافق گردد، آنگاه، این درآمدها با آن نرخ پایین تر مشمول مالیات خواهد بود.

3- مفاد بندهای (1) و (2) حسب مورد در مورد درآمدهای حاصل از مشارکت در اتحادیه، کسب و کار مشترک یا نمایندگی فعال بین المللی نیز نافذ خواهد بود، اما صرفاً در مورد بخشی از درآمدهای حاصل شده که قابل انتساب به مشارکت کننده به نسبت قدرالسهم آن در فعالیت مشترک باشد.

ماده 9- مؤسسات وابسته

1- در صورتی که:

(الف) مؤسسه یک دولت متعاهد به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، واپایش (کنترل) یا سرمایه مؤسسه دولت متعاهد دیگر مشارکت داشته باشد؛ یا

(ب) همان شخص به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، واپایش (کنترل) یا سرمایه مؤسسه یک دولت متعاهد و مؤسسه دولت متعاهد دیگر مشارکت داشته باشد،

و در هر یک از دو مورد، شرایط مقرر یا وضع شده در روابط تجاری یا مالی بین این دو مؤسسه متفاوت از شرایط بین مؤسسات مستقل باشد، در آن صورت هرگونه درآمدی که در نبود آن شرایط می بایست عاید یکی از این مؤسسات می شد، ولی به علت آن شرایط، عاید نشده است می تواند جزء درآمد آن مؤسسه منظور شده و متناسب با آن مشمول مالیات متعلقه شود.

2- در صورتی که یک دولت متعاهد درآمدهایی را که در دولت متعاهد دیگر بابت آنها از مؤسسه آن دولت متعاهد دیگر مالیات اخذ شده جزء درآمدهای مؤسسه خود منظور و آنها را مشمول مالیات کند، و درآمد مزبور درآمدی باشد که چنانچه شرایط استقلال بین دو مؤسسه حاکم می بود، عاید مؤسسه دولت نخست می شد، در این صورت آن دولت دیگر در میزان مالیات متعلقه بر آن درآمد تعدیل مناسبی به عمل خواهد آورد. در تعیین چنین تعدیلاتی، سایر مقررات این موافقتنامه باید لحاظ شود و به همین منظور، مقام های صلاحیت دار دولت های متعاهد، در صورت لزوم، با یکدیگر مشورت خواهند کرد.

3- یک دولت متعاهد نمی تواند درآمدهایی را که می بایست عاید مؤسسه ای می شد اما به دلیل شرایط مندرج در بند (1) عاید آن نشده است، پس از 6 (شش) سال از پایان سال مالیاتی که در آن، درآمدهای مزبور بایستی عاید آن مؤسسه می شد، جزء درآمدهای آن مؤسسه لحاظ و متناسب با آن مشمول مالیات کند. مفاد این بند در مورد تقلب، تقصیر سنگین یا قصور عمدی مجری نخواهد بود.

4- چنانچه دادرسی های قضایی، اداری یا سایر دادرسی های حقوقی منتج به صدور رأی قطعی شود مبنی بر این که با اقدامات منجر به تعدیل درآمد به موجب بند (1)، یکی از مؤسسات مربوط بابت تقلب، تقصیر سنگین یا قصور عمدی مشمول جریمه می شود، مقررات بند (2) اعمال نخواهد شد.

ماده 10- سود سهام

1- سود سهام پرداختی شرکت مقیم یک دولت متعاهد به مقیم دولت متعاهد دیگر می تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

2- با این وجود، سود سهام مزبور ممکن است در دولت متعهدی که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است و طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی در صورتی که مالک منافع سود سهام مقیم دولت متعاهد دیگر باشد، مالیات متعلقه از مبالغ زیر تجاوز نخواهد کرد:

(الف) 10% (ده درصد) مبلغ ناخالص سود سهام، چنانچه مالک منافع شرکتی باشد که به طور مستقیم حداقل 10% (ده درصد) از سرمایه شرکت پرداخت کننده سود سهام را طی یک دوره 365 (سیصد و شصت و پنج) روزه شامل روز پرداخت سود سهام در اختیار داشته باشد (به منظور محاسبه دوره مذکور، تغییرات مالکیت شرکت دارنده سهام یا پرداخت کننده سود سهام که مستقیماً ناشی از تجدید ساختار شرکت، از قبیل تجدید ساختار تلفیقی یا تفصیلی باشد، لحاظ نخواهد شد)؛

(ب) 15% (پانزده درصد) مبلغ ناخالص سود سهام در تمامی موارد دیگر.

مقررات این بند بر مالیات شرکتی که از محل درآمد آن، سود سهام مزبور پرداخت می شود، تأثیر نخواهد داشت.

3- اصطلاح «سود سهام» به گونه به کار رفته در این ماده اطلاق می شود به درآمد حاصل از سهام، سهام منافع یا حقوق سهام منافع، سهام معادن، سهام مؤسسين یا سایر حقوق، به استثنای مطالبات دیون، مشارکت در منافع و نیز درآمد حاصل از سایر حقوق شرکتی که طبق قوانین دولت محل اقامت شرکت تقسیم کننده درآمد، مشمول همان رفتار مالیاتی است که در مورد درآمد حاصل از سهام اعمال می گردد.

4- هرگاه مالک منافع سود سهام مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است، از طریق مقر دائم واقع در آن دولت متعاهد دیگر، به کسب وکار پردازد یا در آن دولت متعاهد دیگر از پایگاه ثابت واقع در آن دولت متعاهد دیگر خدمات شخصی مستقل انجام دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می شود به طور مؤثر با این مقر دائم یا پایگاه ثابت مرتبط

باشد، مقررات بندهای (1) و (2) جاری نخواهد بود. در این صورت، مقررات ماده (7) یا ماده (15)، حسب مورد، مجری خواهد بود.

5 - در صورتی که شرکت مقیم یک دولت متعاقد سود یا درآمدی از دولت متعاقد دیگر تحصیل کند، آن دولت متعاقد دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد، به غیر از مواقعی که این سود سهام به مقیم آن دولت دیگر پرداخت شود یا مواقعی که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می شود به طور مؤثر با مقر دائم یا پایگاه ثابت واقع در آن دولت دیگر مرتبط باشد، و همچنین سودهای تقسیم نشده شرکت را نیز مشمول مالیات نخواهد کرد، حتی اگر سود سهام پرداختی یا سودهای تقسیم نشده، کلاً یا جزئاً، از سود یا درآمد حاصل در آن دولت دیگر تشکیل شود.

ماده 11- سود و کارمزد

1- سود و کارمزد حاصل در یک دولت متعاقد و پرداختی به مقیم دولت متعاقد دیگر می تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

2- با این وجود، سود و کارمزد مزبور می تواند در دولت متعاهدی که در آن حاصل شده و طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه مالک منافع سود و کارمزد مقیم دولت متعاقد دیگر باشد، مالیات متعلقه از 10% (ده درصد) مبلغ ناخالص سود و کارمزد بیشتر نخواهد بود.

3- اصطلاح «سود و کارمزد» به گونه به کار رفته در این ماده به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات دینی اعم از آن که دارای وثیقه و یا متضمن حق مشارکت در منافع بدهکار باشد یا نباشد، و به خصوص درآمد حاصل از اوراق بهادار دولتی و درآمد حاصل از اوراق قرضه یا سهام قرضه شامل پاداش و جوایز متعلق به اوراق بهادار، اوراق قرضه یا سهام قرضه مزبور اطلاق می گردد. جریمه های تأخیر تأدیه از لحاظ این ماده به عنوان سود و کارمزد محسوب نخواهد شد.

4- علی رغم مقررات بند (2) این ماده، سود و کارمزد حاصل در یک دولت متعاقد که توسط دولت کشور متعاقد دیگر، بانک مرکزی یا سایر بانک های کاملاً دولتی و نهادهای مربوط کسب می شوند، از مالیات دولت نخست معاف خواهد بود، مشروط بر آنکه اشخاص مزبور مالک منافع سود و کارمزد باشند.

5 - هرگاه مالک منافع سود و کارمزد مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگری که سود و کارمزد در آنجا حاصل شده از طریق مقر دائم واقع در آن به کسب و کار بپردازد، یا در آن دولت متعاقد دیگر از طریق پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل ارائه دهد و مطالبات دینی که سود و کارمزد بابت آن پرداخت می شود به طور مؤثر به این مقر دائم یا پایگاه ثابت مربوط باشد، مقررات بندهای (1) و (2) این ماده اعمال نخواهد شد. در این صورت، مقررات ماده (7) یا ماده (15)، حسب مورد، مجری خواهد بود.

6 - سود و کارمزد در صورتی «حاصل شده» در یک دولت متعاقد تلقی خواهد گردید که پرداخت کننده مقیم آن دولت باشد. با این وجود، در صورتی که شخص پرداخت کننده سود و کارمزد، خواه مقیم یکی از دو دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد و در ارتباط با دینی که سود و کارمزد به آن تعلق می گیرد دارای مقر دائم یا پایگاه ثابت بوده و پرداخت این سود و کارمزد بر عهده آن مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، در این صورت چنین تلقی خواهد شد که سود و کارمزد مذکور در دولت محل وقوع مقر دائم یا پایگاه ثابت حاصل شده است.

7- در صورتی که به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص دیگری، مبلغ سود و کارمزد که در مورد مطالبات دینی پرداخت می شود از مبلغی که در صورت نبود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع، توافق می شد بیشتر باشد، مقررات این ماده صرفاً نسبت به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این موارد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هر یک از دولت های متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود.

ماده 12- حق امتیازها

1- حق امتیازهای حاصل در یک دولت متعاقد و پرداختی به مقیم دولت متعاقد دیگر می تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

2- با این وجود، حق امتیازهای مزبور می تواند در دولت متعاقد محل حصول و طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه مالک منافع حق امتیازها مقیم دولت متعاقد دیگر باشد، مالیات متعلقه بیش از 5/7% (هفت و نیم درصد) مبلغ ناخالص حق امتیاز نخواهد بود.

3- اصطلاح «حق الامتیاز» به گونه مورد استفاده در این ماده به هر نوع وجوه دریافت شده در ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق نسخه برداری از آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله فیلم های سینمایی، فیلم ها یا نوارهای مورد استفاده برای پخش در رادیو یا تلویزیون و سایر ابزارهای انتقال یا تکثیر تصویر یا صدا، و در ازای استفاده یا حق استفاده از هرگونه نرم افزار، حق انحصاری اختراع، علامت تجاری، دانش فنی، طرح یا نمونه، نقشه، ترکیب ساخت (فرمول) یا فرایند سری، یا در ازای استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی، بازرگانی یا علمی یا اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی اطلاق می شود.

4- هرگاه مالک منافع حق الامتیاز مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که حق الامتیاز در آن حاصل می شود از طریق مقرر دائم واقع در آن دولت به کسب و کار پردازد، یا در آن دولت دیگر از طریق پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد، و حق یا اموالی که حق الامتیاز نسبت به آنها پرداخت می شود به طور مؤثری با این مقرر دائم یا پایگاه ثابت ارتباط داشته باشد، مقررات بندهای (1) و (2) اعمال نخواهد شد. در این صورت، مقررات ماده (7) یا ماده (15)، حسب مورد، مجری خواهد بود.

5 - حق الامتیاز در صورتی در یک دولت متعاقد «حاصل شده» تلقی خواهد شد که پرداخت کننده مقیم آن دولت باشد. مع ذلک، در صورتی که شخص پرداخت کننده حق الامتیاز، خواه مقیم یکی از دولت های متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد دارای مقرر دائم یا پایگاه ثابتی باشد که تعهد پرداخت حق الامتیاز در رابطه با آن به وجود آمده است و پرداخت حق الامتیاز مزبور بر عهده مقرر دائم یا پایگاه ثابت مذکور باشد، در این صورت حق الامتیاز در دولتی «حاصل شده» تلقی خواهد شد که مقرر دائم یا پایگاه ثابت مزبور در آن واقع است.

6 - چنانچه، به سبب وجود رابطه ای خاص میان پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها با شخصی دیگر، مبلغ حق الامتیازی که با در نظر گرفتن استفاده، حق یا اطلاعاتی که بابت آنها پرداخت می شود از مبلغی که در صورت نبود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می شد بیشتر باشد، مقررات این ماده صرفاً نسبت به مبلغ اخیرالذکر مجری خواهد بود. در این موارد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هر یک از دولت های متعاقد و با رعایت سایر مفاد این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

ماده 13- حق الزحمه خدمات فنی

1- حق الزحمه خدمات فنی که در یک دولت متعاقد حاصل و به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده باشد می تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

2- با این حال، علی رغم مفاد ماده (15) و با رعایت مقررات مواد (8)، (16)، (17)، (18) و (20)، حق الزحمه خدمات فنی مزبور می تواند در دولت متعاقد محل حصول و طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه مالک منافع حق الزحمه خدمات فنی مقیم دولت متعاقد دیگر باشد، مالیات متعلقه بیش از 5/7% (هفت و نیم درصد) مبلغ ناخالص حق الزحمه خدمات فنی نخواهد بود.

3- اصطلاح «حق الزحمه خدمات فنی» به گونه مورد استفاده در این ماده به هر نوع وجه پرداختی به هر شخصی، غیر از موارد مذکور در مواد (12) و (15) این موافقتنامه، در ازای خدمات مدیریتی یا فنی یا مشاوره ای اطلاق می شود.

4- هرگاه مالک منافع حق الزحمه خدمات فنی مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که حق الزحمه خدمات فنی در آن حاصل می شود، از طریق مقرر دائم یا پایگاه ثابت واقع در آن، به کسب و کار پردازد، و حق یا اموالی که حق الزحمه خدمات فنی بابت آنها پرداخت می شود به طور مؤثری با این مقرر دائم یا پایگاه ثابت ارتباط داشته باشد، مقررات بندهای (1) و (2) اعمال نخواهد شد. در این صورت، مفاد مواد (7) یا ماده (15)، حسب مورد، مجری خواهد بود.

5 - از لحاظ این ماده، و با رعایت مقررات بند (6)، حق الزحمه خدمات فنی در صورتی در یک دولت متعاقد «حاصل شده» تلقی خواهد شد که پرداخت کننده مقیم آن دولت بوده یا شخص پرداخت کننده حق الزحمه، خواه آن شخص مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد مقررائم یا پایگاه ثابتی داشته باشد که تعهد پرداخت حق الزحمه مزبور در ارتباط با آن ایجاد شده باشد، و پرداخت این حق الزحمه بر عهده این مقررائم یا پایگاه ثابت باشد.

6 - از لحاظ این ماده، حق الزحمه خدمات فنی در صورتی در یک دولت متعاقد حاصل شده تلقی نخواهد شد که پرداخت کننده مقیم آن دولت بوده و از طریق مقرر دائم واقع در آن دولت دیگر به کسب و کار

بپردازد یا از طریق پایگاه ثابت واقع در آن دولت دیگر، خدمات مستقل شخصی ارائه دهد و این حق الزحمه ها بر عهده آن مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد.

7- چنانچه، به سبب وجود رابطه ای خاص میان پرداخت کننده و مالک منافع حق الزحمه خدمات فنی یا بین هر دوی آنها و شخصی دیگر، مبلغ حق الزحمه خدمات فنی پرداختی از مبلغی که در صورت نبود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می شد، بیشتر شود، مفاد این ماده صرفاً نسبت به مبلغ اخیرالذکر مجری خواهد بود. در این موارد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هر یک از دولت های متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه، مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

ماده 14- عواید سرمایه ای

1- عواید سرمایه ای حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از نقل و انتقال اموال غیرمنقول مذکور در ماده (6) که در دولت متعاقد دیگر قرار دارد می تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

2- عواید سرمایه ای حاصل از نقل و انتقال اموال منقولی که بخشی از وسایل کسب و کار مقر دائم مؤسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر است یا اموال منقول متعلق به پایگاه ثابتی که در اختیار مقیم یک دولت متعاقد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاقد دیگر می باشد، از جمله عواید ناشی از نقل و انتقال مقر دائم یا پایگاه ثابت مزبور (به تنهایی یا همراه با کل مؤسسه)، می تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

3- عواید سرمایه ای حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاقد از نقل و انتقال کشتی ها یا وسایل نقلیه هوایی مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی، یا اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتی ها یا وسایل نقلیه هوایی صرفاً در آن دولت مشمول مالیات خواهد بود.

4- عواید سرمایه ای حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از نقل و انتقال سهام یا منافع قابل قیاس، مانند منافع در شرکت، مشارکت یا ائتلاف شرکت ها (تراست) در صورتی می تواند در دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات شود که در هر زمانی از 365 (سیصد و شصت و پنج) روز پیش از نقل و انتقال، سهام یا منافع قابل قیاس مزبور بیش از 50% (پنجاه درصد) ارزش خود را به طور مستقیم و غیرمستقیم از اموال غیرمنقول، به شرح مندرج در ماده (6)، واقع در آن دولت دیگر حاصل کند.

5 - عواید سرمایه ای ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد مذکور در بندهای (1)، (2)، (3) و (4) صرفاً در دولت متعهده ای که انتقال دهنده، مقیم آن است مشمول مالیات خواهد بود.

ماده 15- خدمات شخصی مستقل

1- درآمد حاصل توسط شخص حقیقی مقیم یک دولت متعاقد به سبب خدمات شخصی مستقل یا سایر فعالیت های مستقل صرفاً در آن دولت متعاقد مشمول مالیات خواهد بود مگر در شرایط زیر که این درآمد می تواند در دولت متعاقد دیگر نیز مشمول مالیات شود:

(الف) چنانچه این شخص به منظور انجام فعالیت های خود به طور دائم پایگاه ثابتی در دولت متعاقد دیگر در اختیار داشته باشد، در آن صورت، صرفاً آن بخش از درآمد که قابل انتساب به آن پایگاه ثابت باشد می تواند در آن دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات شود؛ یا

(ب) در صورتی که جمع مدت اقامت وی در یک یا چند دوره در دولت متعاقد دیگر در هر دوره 12 (دوازده) ماهه ای که در سال مالی مربوط شروع یا در آن خاتمه می یابد برابر یا بیشتر از 183 (صد و هشتاد و سه) روز باشد، در این صورت صرفاً آن میزان از درآمدی که از فعالیت های انجام شده وی در آن دولت متعاقد دیگر حاصل شده باشد می تواند در آن دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات شود.

2- اصطلاح «خدمات شخصی مستقل» به فعالیت های مستقل علمی، ادبی، هنری، آموزشی یا سایر فعالیت های دارای ماهیت مستقل، همچنین شامل فعالیت های پزشکان، وکلا، مهندسان، معماران، دندان پزشکان و حسابداران اطلاق می شود، اما شامل خدمات فنی مذکور در ماده (13) نمی شود.

ماده 16- خدمات شخصی غیرمستقل

1- مطابق مقررات مواد (17)، (19)، (20) و (21)، حقوق، مزد و سایر حق الزحمه های مشابهی که مقیم یک دولت متعاقد به سبب استخدام دریافت می دارد، صرفاً در همان دولت مشمول مالیات می باشد مگر

آن که استخدام در دولت متعاهد دیگر انجام شود. چنانچه استخدام به گونه مزبور صورت گیرد، حق الزحمه حاصل از آن می تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

2- علی رغم مقررات بند (1)، حق الزحمه حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد به سبب استخدامی که در دولت متعاهد دیگر انجام شده صرفاً مشمول مالیات دولت نخست خواهد بود، مشروط بر آن که:

الف) جمع مدتی که دریافت کننده در یک یا چند دوره در دولت دیگر حضور داشته از 183 (صد و هشتاد و سه) روز در هر دوره 12 (دوازده) ماهه ای که در سال مالیاتی مربوط شروع یا خاتمه می یابد، بیشتر نشود؛ و

ب) حق الزحمه توسط یا از طرف کارفرمایی پرداخت شود که مقیم دولت دیگر نیست؛ و

پ) پرداخت حق الزحمه بر عهده مقر دائم یا پایگاه ثابتی که کارفرما در دولت دیگر دارد، نباشد.

3- علی رغم مفاد قبلی این ماده، حق الزحمه حاصل شده به سبب استخدام به عنوان عضو خدمه دائم کشتی یا وسایل نقلیه هوایی در کشتی یا وسایل نقلیه هوایی که از سوی مؤسسه یک دولت متعاهد در حمل و نقل بین المللی فعال می باشد، غیر از استخدام در کشتی یا وسایل نقلیه هوایی که صرفاً در داخل آن دولت متعاهد دیگر فعال است، فقط در دولت نخست مشمول مالیات خواهد بود.

ماده 17- حق الزحمه مدیران

حق الزحمه مدیران و پرداخت های مشابه دیگری که مقیم یک دولت متعاهد به لحاظ سیمت خود به عنوان عضو هیات مدیره یا سایر ارکان مشابه شرکت مقیم دولت متعاهد دیگر تحصیل می نماید می تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

ماده 18- هنرمندان و ورزشکاران

1- علی رغم مقررات مواد (15) و (16)، درآمد حاصل مقیم یک دولت متعاهد به عنوان هنرمند، از قبیل هنرمند تئاتر، سینما، رادیو یا تلویزیون یا موسیقیدان یا به عنوان ورزشکار بابت فعالیت های شخصی خود در دولت متعاهد دیگر تحصیل می نماید، می تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود.

2- چنانچه درآمد بابت فعالیت های شخصی یک هنرمند یا ورزشکار در چنین سیمتی به خود آن هنرمند یا ورزشکار تعلق نگیرد و عاید شخص دیگری شود، با وجود مقررات مواد (15) و (16)، آن درآمد می تواند در دولت متعاهدی که فعالیت های هنرمند یا ورزشکار مزبور در آن انجام می گیرد، مشمول مالیات شود.

3- در مورد درآمدی که هنرمند یا ورزشکار مقیم یک دولت متعاهد بابت فعالیت های انجام شده در دولت متعاهد دیگر در چهارچوب موافقتنامه فرهنگی منعقد بین دولت های متعاهد که با بودجه دولتی پشتیبانی می گردد، تحصیل می نماید، مقررات بندهای (1) و (2) مجری نخواهد بود.

ماده 19- حقوق بازنشستگی

1- با رعایت مفاد بند (2) ماده (20)، حقوق بازنشستگی و سایر حق الزحمه های مشابه پرداختی به مقیم یک دولت متعاهد در ازای استخدام گذشته صرفاً در آن دولت مشمول مالیات خواهد بود.

2- با این وجود، این حقوق بازنشستگی و سایر حق الزحمه های مشابه می تواند در دولت متعاهد دیگر نیز مشمول مالیات شود، مشروط بر آن که پرداخت توسط مقیم آن دولت دیگر یا مقر دائم واقع در آن صورت گیرد.

3- علی رغم مقررات بندهای (1) و (2)، حقوق بازنشستگی و سایر موارد پرداختی به موجب طرح های عمومی که قسمتی از نظام تأمین اجتماعی یک دولت متعاهد یا مرجع محلی آن است فقط در آن دولت مشمول مالیات خواهد بود.

4- اصطلاحات «حقوق بازنشستگی» و «سایر حق الزحمه های مشابه»، به گونه مورد استفاده در این ماده، به وجوه دوره ای اطلاق می شود که پس از بازنشستگی در ازای استخدام گذشته یا به عنوان جبران خسارات وارده مربوط به استخدام گذشته دریافت می گردد.

ماده 20- خدمات دولتی

(الف) حقوق، دستمزد و سایر حق الزحمه های مشابه، غیر از حقوق بازنشستگی، پرداختی توسط یک دولت متعاقد یا مرجع محلی آن به شخص حقیقی بابت خدمات ارائه شده به آن دولت یا مرجع فقط در آن دولت مشمول مالیات خواهد بود.

(ب) با این وجود، حقوق، دستمزد و سایر حق الزحمه های مشابه مزبور صرفاً در دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات خواهد بود، مشروط بر آنکه خدمات در آن دولت دیگر ارائه شود و آن شخص حقیقی مقیم آن دولت:

(1) تبعه آن دولت باشد؛ یا

(2) صرفاً برای ارائه خدمات مزبور مقیم آن دولت نشده باشد.

(الف) صرف نظر از مقررات بند (1)، حقوق بازنشستگی و سایر حق الزحمه های مشابه پرداختی توسط یک دولت متعاقد یا مرجع محلی آن یا از محل صندوق ایجاد شده آنها به یک شخص حقیقی بابت خدمات ارائه شده به آن دولت یا مرجع فقط در آن دولت مشمول مالیات خواهد بود.

(ب) با این وجود، حقوق بازنشستگی مزبور و سایر حق الزحمه های مشابه صرفاً به شرطی در دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات خواهد بود که آن شخص حقیقی تبعه و مقیم آن دولت دیگر باشد.

3- در مورد حقوق، دستمزد، حقوق بازنشستگی و سایر حق الزحمه های مشابه بابت خدمات ارائه شده در خصوص کسب و کار انجام شده از سوی یک دولت متعاقد یا مرجع محلی آن، مقررات مواد (16)، (17)، (18) و (19) مجری خواهد بود.

ماده 21- محصلان، مدرسان و محققان

1- جوهری که محصل یا کارآموزی که بلافاصله قبل از حضور در یک دولت متعاقد مقیم دولت متعاقد دیگر بوده یا باشد و صرفاً به منظور تحصیل یا کارآموزی در دولت نخست به سر می برد برای مخارج زندگی، تحصیل یا کارآموزی خود دریافت می دارد در دولت نخست مشمول مالیات نخواهد بود، مشروط بر آنکه وجوه مزبور از منابع خارج از آن دولت حاصل شود.

2- همچنین، حق الزحمه دریافتی معلم یا مدرسی که بلافاصله قبل از حضور در یک دولت متعاقد، مقیم دولت متعاقد دیگر بوده یا باشد و صرفاً به منظور تدریس یا انجام تحقیق علمی برای یک دوره یا دوره هایی که از 2 (دو) سال تجاوز نکند در دولت نخست به سر می برد، در دولت نخست از مالیات معاف خواهد بود، مشروط بر آنکه وجوه مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شود.

این بند در مورد حق الزحمه و درآمد حاصل از انجام تحقیقات برای اشخاص یا مؤسساتی که دارای اهداف تجاری می باشند، مجری نخواهد بود.

ماده 22- سایر درآمدها

1- اقلام درآمد مقیم یک دولت متعاقد که در مواد قبلی این موافقتنامه مورد حکم قرار نگرفته است، در هر کجا که حاصل شود، صرفاً مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

2- به استثنای درآمد حاصل از اموال غیرمنقول به گونه ای که در بند (2) ماده (6) تعریف شده است، هرگاه دریافت کننده درآمد مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر از طریق مقر دائم یا پایگاه ثابت واقع در آن به کسب و کار پردازد و حق یا اموالی که درآمد درخصوص آن پرداخت شده به گونه ای مؤثر با این مقر دائم یا پایگاه ثابت مرتبط باشد، مقررات بند (1) مجری نخواهد بود. در این صورت، مقررات ماده (7) یا ماده (15)، حسب مورد، اعمال خواهد شد.

3- علی رغم مقررات بندهای (1) و (2)، اقلام درآمد مقیم یک دولت متعاقد که در مواد پیشین این موافقتنامه مورد حکم قرار نگرفته و در دولت متعاقد دیگر حاصل شده باشد می تواند در آن دولت دیگر نیز مشمول مالیات شود، ولی مالیات متعلقه نباید از 50% (پنجاه درصد) مالیات آن دولت دیگر تجاوز کند.

ماده 23- آیین حذف مالیات مضاعف

1- چنانچه مقیم یک دولت متعاقد درآمدی حاصل کند که طبق مقررات این موافقتنامه می تواند در دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات شود، دولت نخست اجازه خواهد داد مبلغی برابر با مالیات بر درآمد پرداختی در آن دولت دیگر از مالیات بر درآمد آن مقیم کسر شود. با این وجود، در هر حالت، کسور مزبور نباید از آن بخش از مالیات بر درآمد که پیش از کسر، محاسبه می شد و، حسب مورد، به درآمدی قابل انتساب است که می تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود، تجاوز کند.

2- چنانچه طبق هر یک از مقررات این موافقتنامه، درآمد حاصل شده توسط مقیم یک دولت متعاقد از مالیات در آن دولت معاف باشد، آن دولت می تواند، با وجود معافیت، در محاسبه میزان مالیات بر باقیمانده درآمد آن مقیم درآمد معاف شده را منظور کند.

ماده 24- عدم تبعیض

1- اتباع یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر مشمول هیچ گونه مالیات یا الزامات مرتبط با آن نخواهند بود که متفاوت یا سنگین تر از مالیات و الزامات مربوط به آن باشد که اتباع آن دولت متعاقد دیگر تحت همان شرایط، به ویژه به لحاظ اقامت، مشمول آن بوده یا ممکن است مشمول آن شوند. با وجود مفاد ماده (1)، این مقررات در مورد اشخاصی که مقیم یک یا هر دو دولت متعاقد نباشند نیز مجری خواهد بود.

2- اشخاص فاقد تابعیت که مقیم یک دولت متعاقد هستند در هیچ یک از دولت های متعاقد مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مرتبط با آن نخواهند بود که متفاوت یا سنگین تر از مالیات یا الزامات مربوط به آن باشد که اتباع دولت مزبور تحت همان شرایط، به ویژه به لحاظ اقامت، مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند.

3- مالیاتی که از مقر دائمی مؤسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر اخذ می شود نباید در آن دولت دیگر از مالیات مؤسسات آن دولت متعاقد دیگر که همان فعالیت ها را انجام می دهند نامساعدتر باشد. این مقررات به گونه ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را ملزم نماید هر نوع مزایای شخصی، بخشودگی و تخفیف مالیاتی را که به علت احوال شخصیه یا مسئولیت های خانوادگی به اشخاص مقیم خود اعطا می نماید به اشخاص مقیم دولت متعاقد دیگر نیز اعطا کند.

4- به جز در مواردی که مقررات بند (1) ماده (9)، بند (7) ماده (11)، بند (6) ماده (12)، یا بند (7) ماده (13) اعمال می شود، سود و کارمزد، حق الامتیاز، حق الزحمه خدمات فنی و سایر هزینه های پرداختی مؤسسه یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر به منظور تعیین میزان درآمد مشمول مالیات آن مؤسسه تحت همان شرایطی قابل کسر خواهد بود که گویی به مقیم دولت نخست پرداخت شده بوده است.

5 - مؤسسات یک دولت متعاقد که سرمایه آنها کلاً یا جزئاً به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مالکیت یا تحت مدیریت (کنترل) یک یا چند مقیم دولت متعاقد دیگر می باشد، در دولت نخست مشمول هیچ گونه مالیات یا الزامات مرتبط با آن نخواهند شد که متفاوت یا سنگین تر از مالیات و الزامات مربوط به آن باشد که سایر مؤسسات مشابه در دولت نخست مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند.

ماده 25- آیین توافق دوجانبه

1- چنانچه شخصی بر این نظر باشد که اقدامات یک یا هر دو دولت متعاقد منتج به مالیاتی برای وی شده یا خواهد شد که منطبق با مقررات این موافقتنامه نیست، می تواند صرف نظر از برخورداری از طرق احقاق حق پیش بینی شده در قوانین داخلی دولت های مزبور اعتراض خود را به مقام صلاحیت دار هر یک از دولت های متعاقد تسلیم کند. اعتراض باید ظرف 3 (سه) سال از تاریخ نخستین اطلاع از اقدام منتج به اعمال مالیات مغایر با مقررات این موافقتنامه تسلیم شود.

2- اگر مقام صلاحیت دار اعتراض را موجه بیابد اما خود نتواند به راه حل مناسبی دست یابد، برای اجتناب از اخذ مالیاتی که مطابق این موافقتنامه نمی باشد، خواهد کوشید که از طریق توافق متقابل با مقام صلاحیت دار دولت متعاقد دیگر موضوع را حل و فصل نماید. هر توافقی که ظرف مهلت زمان 6 (شش) سال از تاریخ اطلاع به مفهوم موردنظر در بند (1) حاصل شود، صرف نظر از هرگونه محدودیت های زمانی مقرر در قوانین داخلی دولت های متعاقد، قابل اجرا خواهد بود.

3- مقام های صلاحیت دار دولت های متعاقد تلاش خواهند کرد تا کلیه مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه را از طریق توافق دوجانبه حل و فصل کنند. آنها همچنین می توانند در موارد پیش

بینی نشده در این موافقتنامه، به منظور حذف مالیات مضاعف با یکدیگر مشورت کنند.

4- مقام های صلاحیت دار دولت های متعاقد می توانند به منظور حصول توافق به مفهوم مندرج در بندهای پیشین مستقیماً، ازجمله از طریق کمیسیون مشترکی متشکل از خود ایشان یا نمایندگان آنها، با یکدیگر ارتباط حاصل کنند.

ماده 26- تبادل اطلاعات

1- مقام های صلاحیت دار دولت های متعاقد اطلاعاتی را که پیش بینی می شود مرتبط با اجرای مقررات این موافقتنامه یا اعمال یا اجرای قوانین داخلی راجع به مالیات هایی از هر نوع و با هر وصف است که از سوی دولت های متعاقد یا مراجع محلی آنها وضع می شود، تا حدودی مبادله خواهند کرد که اخذ مالیات به موجب آن قوانین مغایر با این موافقتنامه نباشد. مواد (1) و (2) موجب تحدید تبادل اطلاعات مزبور نمی شود.

2- با هر نوع اطلاعاتی که به وسیله یک دولت متعاقد به موجب بند (1) دریافت می شود، به همان شیوه اطلاعات به دست آمده به موجب قوانین داخلی آن دولت به عنوان اطلاعات سری رفتار خواهد شد و فقط نزد اشخاص یا مراجعی (ازجمله دادگاه ها و مراجع اداری) فاش می شود که به امر تشخیص یا وصول، اجرا یا پیگرد یا تصمیم گیری در مورد پژوهش خواهی های مرتبط با مالیات های موضوع بند (1)، یا نظارت بر موارد فوق اشتغال دارند. اشخاص یا مراجع مزبور اطلاعات را فقط برای مقاصد یاد شده مورد استفاده قرار خواهند داد. آنان می توانند این اطلاعات را در جریان دادرسی های علنی دادگاه ها یا تصمیم های قضایی فاش سازند. با وجود مفاد پیشین، اطلاعات بدست آمده توسط یک دولت متعاقد می تواند برای سایر مقاصد استفاده شود، مشروط بر آنکه امکان به کارگیری اطلاعات مزبور برای سایر مقاصد به موجب قوانین هر دو دولت وجود داشته باشد و مقام صلاحیت دار دولت ارائه کننده اطلاعات مجوز چنین استفاده ای را اعطا نماید.

3- مقررات بندهای (1) و (2) در هیچ مورد به گونه ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را وادار سازد:

(الف) اقدامات اداری مغایر با قوانین و رویه اداری دولت خود یا دولت متعاقد دیگر اتخاذ نماید؛

(ب) اطلاعاتی را ارائه نماید که طبق قوانین یا در جریان عادی اداری دولت خود یا دولت متعاقد دیگر قابل تحصیل نیست؛

(پ) اطلاعاتی را ارائه نماید که منجر به افشای هر نوع اسرار تجاری، شغلی، صنعتی، بازرگانی یا حرفه ای یا فرآیند تجاری شود یا اطلاعاتی که افشای آن با خط مشی عمومی (نظم عمومی) مغایر باشد.

4- چنانچه یک دولت متعاقد اطلاعاتی را طبق این ماده درخواست کند، دولت متعاقد دیگر اقدامات جمع آوری اطلاعات خود را برای کسب اطلاعات درخواستی به کار می بندد، ولو آنکه آن دولت دیگر از حیث مقاصد مالیاتی خود نیازی به این اطلاعات نداشته باشد. الزام مذکور در جمله پیشین تابع محدودیت های بند (3) است اما محدودیت های مزبور به هیچ وجه به مثابه مجوزی برای یک دولت متعاقد جهت امتناع از تأمین اطلاعات صرفاً به دلیل نبود منفعت داخلی نسبت به این گونه اطلاعات تعبیر نخواهد شد.

5 - مفاد بند (3) به هیچ وجه به مثابه مجوزی برای یک دولت متعاقد در امتناع از تأمین اطلاعات صرفاً به دلیل حفظ اطلاعات نزد بانک، مؤسسه مالی دیگر، نماینده یا شخص دارای جایگاه نمایندگی یا موقعیت امین یا به دلیل ارتباط اطلاعات مزبور با حقوق مالکانه نسبت به یک شخص تعبیر نخواهد شد.

ماده 27- مساعدت در وصول مالیات ها

1- دولت های متعاقد می توانند در وصول مطالبات درآمدی به یکدیگر مساعدت نمایند. مواد (1) و (2) موجب تحدید این مساعدت نمی شود. مقام های صلاحیت دار دولت های متعاقد می توانند با توافق دوجانبه، نحوه اجرای این ماده را تعیین نمایند.

2- اصطلاح مطالبه درآمدی به گونه بکار رفته در این ماده به مبلغ بدهی مربوط به مالیات هایی از هر نوع و با هر وصف اطلاق می شود که از سوی دولت های متعاقد یا مراجع محلی آنها وضع شده است تا آنجایی که اخذ مالیات به موجب آن مغایر با این موافقتنامه یا هر سند دیگری نباشد که دولت های متعاقد طرف آن می باشند، و همچنین شامل جریمه تأخیر تأدیه، جریمه های اجرائی، و هزینه های وصول یا نگهداری مربوط به مبالغ مزبور نیز می شود.

3- در صورتی که مطالبه درآمدی یک دولت متعاهد به موجب قوانین آن دولت قابل اجرا بوده و شخصی مدیون باشد که در آن زمان به موجب قوانین آن دولت نتواند مانع از وصول آن شود، آن مطالبه درآمدی حسب درخواست مقام صلاحیت دار آن دولت، به منظور وصول از سوی مقام صلاحیت دار دولت متعاهد دیگر پذیرفته می شود. مطالبه درآمدی مزبور توسط آن دولت دیگر و طبق مفاد قوانین حاکم آن در مورد اجرا و وصول مالیات های خود وصول خواهد شد، به گونه ای که گویی مطالبه درآمدی مزبور، مطالبه درآمدی آن دولت دیگر بوده است.

4- در صورتی که مطالبه درآمدی یک دولت متعاهد مطالبه ای باشد که آن دولت بتواند به موجب قانون خود در مورد آن اقدامات حفاظتی را با هدف حصول اطمینان از وصول آن انجام دهد، مطالبه درآمدی مزبور حسب درخواست مقام صلاحیت دار آن دولت به منظور اتخاذ اقدامات حفاظتی از سوی مقام صلاحیت دار دولت متعاهد دیگر پذیرفته می شود. آن دولت دیگر اقدامات حفاظتی را درخصوص آن مطالبه درآمدی طبق مفاد قوانین خود اتخاذ خواهد نمود به گونه ای که گویی آن مطالبه درآمدی، مطالبه درآمدی آن دولت دیگر بوده است، حتی اگر در زمان اعمال اقدامات مزبور، مطالبه درآمدی در دولت نخست قابل اجرا نبوده یا مدیون، شخصی باشد که محق به ممانعت از وصول آن باشد.

5 - صرف نظر از مقررات بندهای (3) و (4)، مطالبه درآمدی پذیرفته شده توسط یک دولت متعاهد از حیث بندهای (3) یا (4) در آن دولت تابع محدودیت های زمانی نخواهد بود یا نسبت به مطالبه درآمدی به موجب قوانین آن دولت به دلیل ماهیت آن، هرگونه ارجحیت قابل اعمال به آن تعلق نخواهد یافت. به علاوه، مطالبه درآمدی پذیرفته شده توسط یک دولت متعاهد از حیث بندهای (3) یا (4) در آن دولت مشمول هرگونه ارجحیت قابل اعمال نسبت به آن مطالبه درآمدی به موجب قوانین دولت متعاهد دیگر نخواهد بود.

6 - جریان دادرسی مربوط به وجود، صحت یا میزان مطالبه درآمدی یک دولت متعاهد نباید نزد دادگاه ها یا مراجع اداری دولت متعاهد دیگر مطرح شود.

7- چنانچه در هر زمان پس از ارائه درخواست از سوی یک دولت متعاهد به موجب بند (3) یا (4) و پیش از وصول و تأدیه مطالبه درآمدی مربوط توسط دولت متعاهد دیگر به دولت نخست، مطالبه درآمدی مزبور مربوط به موارد زیر نباشد:

الف) در مورد درخواست به موجب بند (3)، مطالبه درآمدی دولت نخست که به موجب قوانین آن دولت قابل اجرا بوده و مدیون، شخصی باشد که در آن زمان به موجب قوانین آن دولت نتواند مانع از وصول آن گردد؛ یا

ب) در مورد درخواست به موجب بند (4)، مطالبه درآمدی دولت نخست که درخصوص آن، دولت مذکور می تواند به موجب قوانین خود اقدامات حفاظتی را با هدف حصول اطمینان از وصول آن اتخاذ کند،

مقام صلاحیت دار دولت نخست در اسرع وقت مقام صلاحیت دار دولت دیگر را از موضوع آگاه خواهد نمود و دولت نخست بنا به انتخاب دولت دیگر، درخواست خود را یا به حالت تعلیق درآورده یا از آن صرف نظر خواهد کرد.

8 - مفاد این ماده در هیچ مورد به گونه ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاهد را ملزم نماید که:

الف) اقدامات اداری مغایر با قوانین و رویه اداری خود یا دولت متعاهد دیگر اتخاذ نماید؛

ب) اقداماتی مغایر با خط مشی عمومی (نظم عمومی) انجام دهد؛

پ) چنانچه دولت متعاهد دیگر تمامی اقدامات متعارف برای وصول یا حفاظت را، حسب مورد، به موجب قوانین یا رویه اداری خود اتخاذ نکرده باشد، مساعدت نماید؛

ت) در مواردی که بار اداری آن دولت مشخصاً در قیاس با منفعت قابل حصول توسط آن دولت متعاهد دیگر نامتناسب باشد، مساعدت نماید.

ماده 28- اعضای هیأت های نمایندگی و مأموریت های سیاسی و مناصب نمایندگی سیاسی (کنسولی)

هیچ یک از مفاد این موافقتنامه بر امتیازات مالیاتی اعضای هیأت های سیاسی یا مناصب نمایندگی سیاسی (کنسولی) که به موجب قواعد عمومی حقوق بین الملل یا مقررات موافقتنامه های خاص از آن برخوردار می باشند، تأثیری نخواهد گذاشت.

ماده 29- بهره مندی از مزایا

1- علی رغم سایر مقررات این موافقتنامه، هرگاه، با در نظر گرفتن تمامی حقایق و شرایط مرتبط، به طور متعارف بتوان نتیجه گرفت که هدف اصلی یا یکی از اهداف اصلی هرگونه ترتیبات یا معاملاتی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم منتج به بهره مندی از مزایای موافقتنامه شده، کسب مزیت مزبور بوده است، آن مزیت در مورد آن قلم از درآمد اعطا نخواهد شد، مگر اینکه اثبات گردد که اعطای آن مزیت در این گونه شرایط مطابق با هدف و منظور مقررات مربوط در این موافقتنامه بوده است.

2- چنانچه به موجب مفاد بند (1)، مقیم یک دولت متعاقد از مزایای این موافقتنامه در دولت متعاقد دیگر محروم شود، مقام صلاحیت دار آن دولت متعاقد دیگر مقام صلاحیت دار دولت متعاقد نخست را از موضوع مطلع خواهد کرد.

ماده 30- لازم الاجرا شدن

1- دولت های متعاقد به طور کتبی از طریق مجاری سیاسی (دیپلماتیک) یکدیگر را از تکمیل تشریفات مقرر به موجب قوانین داخلی خود برای لازم الاجرا شدن این موافقتنامه آگاه خواهند ساخت. این موافقتنامه از تاریخ یادداشت مؤخر لازم الاجرا خواهد شد.

2- مقررات این موافقتنامه به شرح زیر نافذ خواهد بود:

(الف) در جمهوری اسلامی ایران:

(1) در مورد مالیات های بر درآمد کسر شده در منبع، نسبت به وجوه پرداختی یا اعتبار منظور شده از تاریخ اول فروردین ماه (هجری خورشیدی)، برابر با 20 یا 21 مارس، یا پس از آن در سال تقویمی متعاقب سالی که در آن، این موافقتنامه لازم الاجرا می گردد؛

(2) در مورد سایر مالیات های بر درآمد، نسبت به مالیات های قابل وضع برای هر سال مالیاتی که از تاریخ اول فروردین ماه (هجری خورشیدی)، برابر با 20 یا 21 مارس، یا پس از آن در سال تقویمی متعاقب سالی که در آن، این موافقتنامه لازم الاجرا می گردد، آغاز می شود.

(ب) در جمهوری مردمی بنگلادش:

(1) در مورد مالیات های کسر شده در منبع، نسبت به وجوه پرداختی یا اعتبار منظور شده از تاریخ اول ژوئیه (برابر با دهم تیرماه) یا پس از آن متعاقب تاریخی که در آن، این موافقتنامه لازم الاجرا می شود؛ و

(2) در مورد سایر مالیات های بر درآمد، نسبت به درآمدهای حاصله در هر سال درآمدی که از تاریخ اول ژوئیه (برابر با دهم تیرماه) یا پس از آن متعاقب تاریخی که در آن، این موافقتنامه لازم الاجرا می گردد، آغاز می شود.

ماده 31- خاتمه

این موافقتنامه مادامی که توسط یک دولت متعاقد خاتمه نیابد، لازم الاجرا خواهد بود. هریک از دولت های متعاقد می تواند این موافقتنامه را از طریق مجاری سیاسی، با ارائه یادداشت خاتمه، حداقل 6 (شش) ماه قبل از پایان هر سال تقویمی بعد از دوره ای 5 (پنج) ساله از تاریخی که این موافقتنامه لازم الاجرا می گردد، خاتمه دهد. در این صورت، این موافقتنامه در موارد زیر نافذ نخواهد بود:

(الف) در جمهوری اسلامی ایران:

(1) در مورد مالیات های بر درآمد کسر شده در منبع، نسبت به وجوه پرداختی یا اعتبار منظور شده، از تاریخ اول فروردین ماه (هجری خورشیدی)، برابر با 20 یا 21 مارس یا پس از آن در سال تقویمی متعاقب سالی که در آن، یادداشت ارائه می گردد؛ و

(2) در مورد سایر مالیات های بر درآمد، نسبت به مالیات های قابل وضع برای هر سال مالیاتی که از تاریخ اول فروردین ماه (هجری خورشیدی)، برابر با 20 یا 21 مارس یا پس از آن در سال تقویمی متعاقب سالی که در آن، یادداشت ارائه می گردد، آغاز می شود.

(ب) در جمهوری مردمی بنگلادش:

(1) در مورد مالیات های کسرشده در منبع، نسبت به وجوه پرداختی یا اعتبار منظور شده، از تاریخ اول ژوئیه (برابر با دهم تیرماه) یا پس از آن متعاقب تاریخی که در آن، یادداشت ارائه می گردد؛ و

(2) در مورد سایر مالیات های بر درآمد، نسبت به درآمدهای حاصل در هر سال درآمدی که از تاریخ اول ژوئیه (برابر با دهم تیرماه) یا پس از آن، متعاقب تاریخی که در آن یادداشت ارائه می گردد، آغاز می شود.

این موافقتنامه در تهران در تاریخ 16 مهرماه 1401 (هجری خورشیدی) برابر با 8 اکتبر 2022 میلادی در دو نسخه به زبان های فارسی، بنگالی و انگلیسی تنظیم گردید که تمامی متون از اعتبار یکسان برخوردار می باشند. در صورت بروز هرگونه اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی ملاک خواهد بود.

در تأیید مراتب فوق، امضا کنندگان زیر که به نحو مقتضی از طرف دولت های متعاقد متبوع خود مجاز می باشند، این موافقتنامه را امضا نموده اند.

از طرف دولت

جمهوری مردمی بنگلادش

از طرف

جمهوری اسلامی ایران

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و دو تبصره منضم به متن موافقتنامه شامل مقدمه و سی و یک ماده که گزارش آن توسط کمیسیون اقتصادی به صحن مجلس تقدیم شده بود، پس از تصویب در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ بیستم فروردین ماه یکهزار و چهارصد و چهار مجلس شورای اسلامی، در تاریخ 1404/2/10 به تأیید شورای نگهبان رسید.

رئیس مجلس شورای اسلامی - محمدباقر قالیباف